



ویژگی‌های شهرسازی در شهرهای دوره صفویه

پدیدآورده (ها) : مهجور، فیروز

جغرافیا :: پژوهش‌های جغرافیایی :: مهر 1378 - شماره 36 (ISC)

از 65 تا 74

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/377266>

دانلود شده توسط : کاربر عمومی دانشگاه دولتی اصفهان

تاریخ دانلود : 31/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

ویژگیهای شهرسازی در شهرهای دوره صفویه

فیروز مهجور - مربی گروه باستان شناسی، دانشگاه تهران

چکیده

دوران صفویه بویژه عهد شاه عباس اول از لحاظ شهرسازی و توسعه شهری در ایران، دورانی طلایی بحساب می آید. در شهرسازی آن دوران که اوج شکوفایی اش در اصفهان به ظهور می رسد، سه رابطه انسان با خدا، انسان با انسان و انسان با طبیعت مورد توجه خاص قرار می گیرد. با توجه به اینکه معمولاً مهمترین ویژگیهای شهری و شهرسازی هر حکومتی در پایتخت آن حکومت بطور بهتر و شفافتر تجلی می یابد، در دوره صفویه سه شهر تبریز، قزوین و اصفهان به ترتیب به پایتختی برگزیده می شوند و شهر «اشرف» یا به شهر کنونی نیز عنوان پایتخت تابستانی آن دولت را پیدا می کند؛ بنابراین با بررسی آنها می توانیم به اصول شهرسازی صفویه پی ببریم.

واژگان کلیدی: شهر، شهرسازی، پایتخت، صفویه، اصفهان، قزوین، میدان

مقدمه

دوران صفویه در تاریخ معماری و شهرسازی ایران، دورانی طلایی بحساب می آید. در این دوران علاوه بر ایجاد شهرهای جدید، شهرهای متعددی بویژه شهرهایی که از جنبه مذهبی و یا اقتصادی واجد اهمیت بودند، توسعه و گسترش می یابند.

نظر به اینکه معمولاً مهمترین ویژگیهای شهرسازی هر دوره ای در مرکز و پایتخت آن حکومت متجلی می گردد و با توجه به اینکه در دوره صفویه سه شهر تبریز، قزوین و اصفهان به ترتیب به پایتختی برگزیده می شوند و به شهر یا «اشرف البلاد» نیز عنوان پایتخت تابستانی آن حکومت را پیدا می کند، بنابراین با بررسی آنها می توان به اصول و ویژگیهای شهرسازی صفویه پی برد.

عوامل مؤثر در شهرسازی صفویه

مهمترین عواملی که در شهرسازی ایران بویژه در عصر صفویه مؤثر بوده اند، عبارتند از:

- ۱- عامل جغرافیایی و اقلیمی
- ۲- عامل دفاعی و نظامی
- ۳- عامل اقتصادی و تجاری
- ۴- عامل دینی و مذهبی
- ۵- عامل سیاسی، حکومتی و اداری
- ۶- عامل تشریفات و برگزاری مراسم

در این مقاله، برای رعایت اختصار از توضیح تک تک عوامل مذکور و ذکر تمامی مصادیق خودداری می‌شود و فقط اشاره می‌نماید که در انتخاب تبریز و قزوین به پایتختی، غیر از عامل مذهبی و عامل برگزاری مراسم، دیگر عوامل دخالت تام و مستقیم داشته‌اند. در پایتخت شدن اصفهان، علاوه بر عوامل طبیعی و جغرافیایی، دفاعی و نظامی، اقتصادی و تجاری، سیاسی و حکومتی، عامل مذهبی نیز اهمیت بیشتری از گذشته می‌یابد، زیرا با توجه به رسمیت یافتن مذهب تشیع و اهمیت آن در سیاست آن دوره، نزدیکی اصفهان به دو پایگاه قدیمی شیعه در ایران یعنی کاشان و قم از نظر مذهبی واجد اهمیت خاصی است.

همچنین شهر اشرف دوران صفوی (بهشهر کنونی) را می‌توان در زمره شهرهای تشریفاتی بشمار آورد که شاه عباس با توجه به شرایط مناسب و مطلوب طبیعی آن، مجموعه‌ای از باغها و ابنیه باشکوه سلطنتی را در آنجا برپا ساخت و تلاش نمود تا اغلب پذیرائیهای مربوط به سفیران و شخصیت‌های خارجی را در آن محل برگزار کند. (ورجاوند، ۱۳۷۰، ص ۱۲) افزون بر آن، در بنای شهر مزبور بوضوح نقش عوامل جغرافیایی، اقلیمی و نیز سیاسی، حکومتی خودنمایی می‌کنند. تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ویژگیها یا اصول و مشخصه‌های شهرسازی صفویه

در دوران صفویه، ایجاد شهرهای نوین و نیز توسعه و گسترش شهرهای گذشته بر مبنای اصول زیر صورت می‌گرفته است:

- ۱- توجه ویژه به محیط زیست و ایجاد فضای سبز و باغ: یکی از ویژگیهای مهم شهرسازی ایرانی بخصوص در روزگار صفویه، پیوند بافت شهر و کالبد معماری آن با فضاهای سبز درون شهری است. «شیوه ایجاد باغشهرها در دوران صفویه به عنوان اساسی‌ترین الگوی شهرسازی مورد توجه شهرسازان قرار داشت؛ چنانکه طراحی استادانه باغ شهرهای قزوین، اصفهان، اشرف (بهشهر) را در این دوران می‌توان از نمونه‌های موفق شهرسازی با تکیه بر فضای سبز بشمار آورد» (ورجاوند، ۱۳۷۵، ص ۵۹۰). شهر تبریز در عصر زمامداری شاه اسماعیل نیز از این خصیصه برخوردار بوده است؛ چنانکه «خواندمیر» در کتاب «حبيب السیر» در توصیف آن شهر در آخرین سال حکومت شاه اسماعیل می‌نویسد: «در این تاریخ یعنی ثلثین و تسعمه هجری به یمن معدلت نواب کامیاب شاهی، تبریز معمورترین بلاد ربع مسکون است و بواسطه وفور عمارات و زراعت، غیرت افزای چرخ بوقلمون، گوئیا کلمه - ادخلوها بسلام امنین - آیتی است در شأن او و کریمه «جنة عرضها السموات» کنایتی است از فسحت ساحت جنت نشان او ... در تبریز، باغستان فراوان است،...» (ذکاء، ۱۳۶۸، ص ۱۹۳).

یک بازرگان گمنام و نیز تبرزین عهد شاه اسماعیل را از جهت آراستگی به باغها و گیاهان متعدد و متنوع قابل مقایسه با «ونیز» دانسته است (سلطانزاده، ۱۳۷۶، ص ۴۶).

لازم به یادآوری است که از خصوصیات کلیدی شهرسازی صفویه بویژه در اصفهان، طرح چهارباغ است که عملکردی تفریحی داشته (پیرنیا، ۱۳۶۹، ص ۲۸۹) و در آن رابطه انسان با طبیعت بسیار مورد توجه قرار گرفته است. به گفته کمپفر «شاه عباس خیابانهای عمومی را مشجر کرد و بزرگان و اعیان نیز به چشم و همچشمی یکدیگر در باغهای خود درخت غرس کردند» (کمپفر، ۱۳۶۳، ص ۱۸۶).

۲- توجه به رون و جهت شهری: از جنبه‌های مهم شهرسازی ایران بویژه در عصر صفویه، توجه به رون و جهت شهری در مناطق مختلف است. رون از لحاظ آب و هوا، طرز تابش خورشید و جهت وزش باد مطبوع و خوشایند یا گردباد و طوفان و بویژه بادهای موسمی مسموم و موذی اهمیت زیادی در شهرسازی دارد. در شهرهای تبریز و یزد از رون راسته استفاده شده که جهت شمالشرقی - جنوبغربی دارد و تقریباً مواج با قبله است. در یزد، رون کرمانی بعلت وجود شیرکوه در جنوب و کوه خرانک یا خراتق در شمال آن شهر، نکبت دارد، زیرا در آن صورت زمستانها سرد و تابستانها گرم خواهد بود.

رون اصفهانی که جهت شمالغربی - جنوبشرقی دارد، در اصفهان و فارس وجود دارد. در اصفهان، معمار بزرگ: احمد اصفهانی، پیچش ایوان مسجد امام با میدان نقش جهان را که حدود ۴۵ درجه اختلاف دارد، بنحو بسیار جالبی حل کرده است؛ زیرا میدان با «رون اصفهانی» بنا شده ولی مسجد روبه قبله است. بنابراین در آنجا قناسی بوجود می‌آید که برای رفع آن زحمت زیادی کشیده است. در مسجد امام اصفهان برای آنکه زاویه ایجاد شده بین سر در و ایوان شمالی بچشم نیاید، معمار ایوان را طوری قرار داده که می‌توان مسجد را دید ولی نمی‌توان مستقیم وارد آن شد. برای ورود به آن دو راهرو تعبیه شده که انتهای آنها راه به فضای بازی دارد که سرویسهای بهداشتی قرار گرفته‌اند (پیرنیا، همان، ص ۲۹۹).

برخی از شهرها مثل همدان و خوی مانند کرمان، با «رون کرمانی» که جهت شرقی - غربی دارد، بنا شده‌اند. بعنوان مثال در کرمان که توفانی موسوم به توفان سیاه دارد، اگر جهت شهر غیر از شرقی - غربی می‌بود، خانه‌ها غیر قابل استفاده می‌شدند (پیرنیا، ۱۳۷۱، صص ۱۵۶ - ۱۵۴).

۳- توسعه و ساخت شهرها بر اساس طرح جامع: در دوره صفویه بنای شهرهای جدید و گسترش شهرهای قدیمی بر مبنای طرح جامعی که از قبل مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته بود، صورت می‌گرفت؛ چنانکه به شهادت مدارک تاریخی، آماده‌سازی و ساماندهی شهر قزوین برای تختگاه شدن از سال ۹۵۱ ه. ق آغاز گردید و بیش از یازده سال بطول انجامید تا در زمان مناسب یعنی سال ۹۶۲ ه. ق کار انتقال پایتخت صورت پذیرفت. در این طرح جامع، موجبات گسترش شهر در جانب غرب، شمال و شرق فراهم گردید و با برنامه‌ریزی، بخشهای تازه ساز شهر با ظرفیتی خاص در کنار محله‌های قدیمی قرار گرفت و به دور از ایجاد آشفتگی، با آنها پیوند و ارتباطی مطلوب برقرار نمود (ورجاوند، ۱۳۷۴، صص ۵۷۷ - ۵۷۶). توسعه جدید شهر اصفهان بسمت جنوب و در امتداد بازار قدیم نیز طبق نقشه معینی انجام گرفت (فقیه، ۱۳۶۳، ص ۶۶۷). برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای شهر جدید

اصفهان به مدت ۲۵ سال در زمان شاه عباس اول و از نخستین سالهای قرن ۱۱ هجری به طول انجامید (حبیبی، ۱۳۷۴، ص ۶۳). همچنین شهرهای اشرف و فرح آباد در شمال کشور نیز بر مبنای طرح و نقشه قبلی در زمان شاه عباس اول بنا شدند.

۴- توسعه و گسترش شهرهای قدیمی با حفظ بافتهای گذشته آن شهرها: همانگونه که اشاره شد، در عصر صفویه شهرها بر اساس طرح قبلی و نقشه جامع بنا می شده و یا گسترش می یافتند. از مهمترین ویژگیهای طرحهای جامع توسعه شهری، عدم تخریب بافتهای قدیمی شهرها بود؛ در نتیجه بافتهای قدیم و جدید بصورت مکمل و معین یکدیگر عمل می کردند و از یک ارتباط هماهنگ و انسجام ارگانیک و پایدار برخوردار بودند. بعنوان مثال، توسعه شهر قزوین در دوره صفویه شامل منطقه گسترده ای در قلب شهر و شمال مسجد جامع بود که در واقع، خود یک شهر محسوب می شده است. این شهر جدید را «جعفرآباد» نامیده اند و بنا بر سروده «عبدی بیگ» در ربع مسکون نظیر نداشته است. شهر جدید تأثیر فراوانی در بافت کهن برجای گذاشت و در شبکه های ارتباط شهری و بافت مجاور، دگرگونیهای اساسی ولی هماهنگ بوجود آورد.

«شهر قزوین که تا پیش از اجرای این طرح وسیع، مرکزیت اصلی اش بر روی مسجد جامع تکیه داشت، با اجرای آن دستخوش تغییر گشته و این مرکز از نظر فعالیت عمومی مردم شهر، به جانب شمال یعنی در مسیر شبکه بازار و بالاتر از آن، میدان مرکزی یا میدان شاه، انتقال می یابد. با بنای مسجد شاه و سپس کاروانسرای شاه و قیصریه در مجاورت آن، بخشی از نقش اجتماعی، مذهبی و اقتصادی مسجد جامع پیرامون آن نیز بر عهده این مجموعه جدید گذارده می شود: مجموعه ای که با شبکه بازارها و میدان مرکزی از یکسو و ارگ سلطنتی از سوی دیگر در پیوندی تنگاتنگ قرار داشت ... به بیان دیگر، با اجرای طرح جامع «جعفر آباد» نه تنها باری بر دوش بافت قدیم شهر گذارده نمی شود، بلکه با ایجاد مجموعه ها و بناهای همگانی وسیع و گوناگونی چون کاروانسرا، شبکه بازارها، حمامها، خیابانها، مسجدها، مدرسه ها، آب انبارها و دارالشفاء (بیمارستان) کمبودهای شهر اصلی نیز جبران می گردد» (ورجاوند، همان، صص ۵۵۷ - ۵۷۶).

در اصفهان نیز «یک ویژگی مهم شهرسازی شاه عباس این بود که طرح وی متضمن خراب کردن شهر قدیمی نبود، شهر جدید صرفاً از جایی آغاز می شد که اصفهان قدیمی پایان می یافت. طرح جدید در زمین باز (باغ شاه و اراضی عمومی) و دور از محدودیتها و مشکلات قدیمی پیاده شد.

... مسجد جمعه قدیمی و باشکوه که به زمان سلجوقیان تعلق داشت و بازارهای پر رونقی که سیاح قرن پنجم هجری، ناصر خسرو، با چنان نیکویی از آن یاد کرده بود، نه تنها برجای گذاشته شدند، بلکه از طریق میدان بزرگ نقش جهان که مستقیماً از مدخل اصلی قیصریه شروع می شد، با فاصله کمی به شهر جدید پیوند یافتند. مرکز دادوستد به داخل خود میدان منتقل شد که گرداگردش یک ردیف دو طبقه مغازه بود و مسجد شیخ لطف الله، مسجد شاه و عمارت عالی قاپو که تنها ساختمانهای اصلی مشرف به میدان بودند، این ردیف مغازه ها را قطع می کردند» (سیوری، ۱۳۷۲، ص ۱۵۸).

این امر یعنی دو قطبی بودن شهر اصفهان، میان میدان کهنه و میدان نو باعث تلفیق پایدار و ارگانیک شهر جدید صفوی با شهر کهنه پیش از آن گردید و شهر جدید توانست بحرانی را که پس از تسخیر اصفهان توسط

افغانها پیش آمد، تحمل کند (گوبه، ۱۳۷۴، ص ۶۰۰).

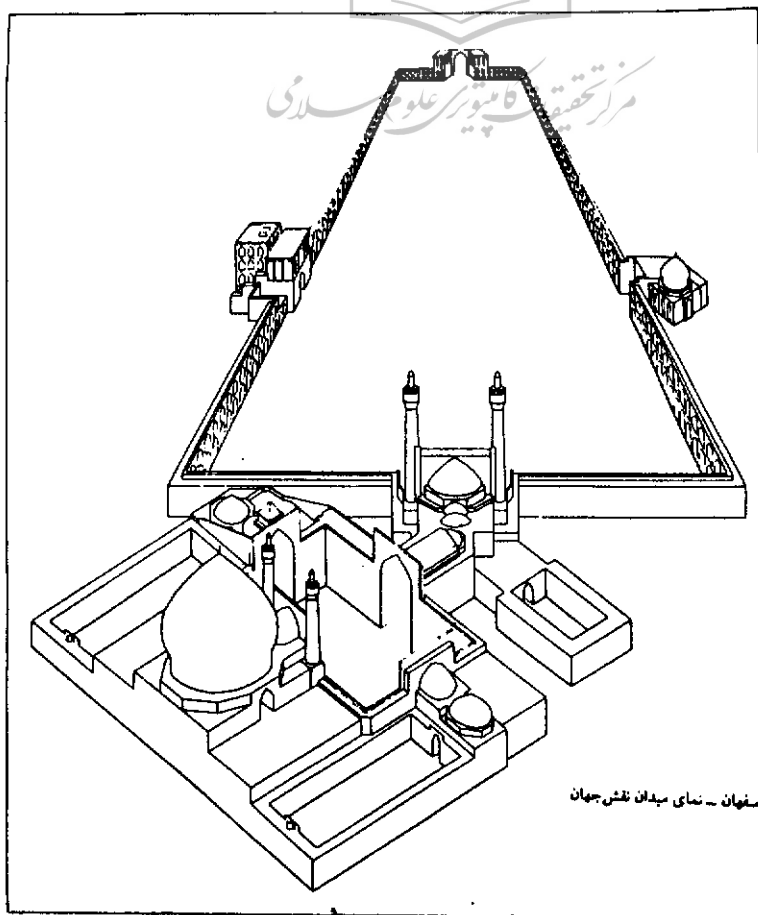
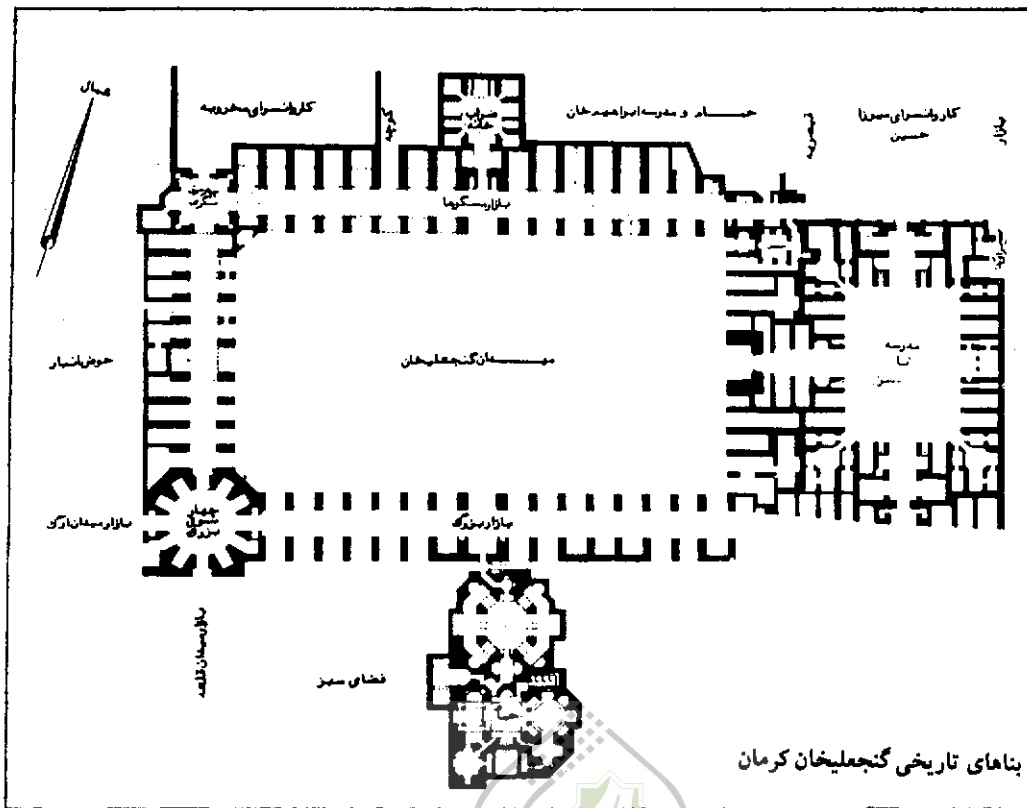
۵- ایجاد میدانی وسیع در مرکز شهرها مشتمل بر مهمترین فضاها و بناهای مورد نیاز شهری: از جمله ویژگیهای معماری و شهرسازی صفویه بخصوص در عهد شاه عباس اول، استفاده از مقیاس عظیم و بویژه میادین بزرگ بود؛ میادینی که مهمترین فضاها و بناهای مورد نیاز شهری را در برداشت، از قبیل فضاها و مذهبیه که تبلور تام و کامل آن در مساجد، مخصوصاً مساجد جامع ظهور و بروز می یابد، فضاها و اقتصادی و تجاری که در بازارها، قیصریه‌ها و کاروانسراها تبلور می شود، و اماکن حکومتی که در کاخها و قصرها تجلی پیدا می کند و ما این ویژگی مهم شهرسازی صفویه را به روشنی در میدان نقش جهان اصفهان مشاهده می کنیم که به گفته دونالد ویلبر «هنوز از بزرگترین میدانهای عمومی جهان بشمار می رود» (ویلبر، ۱۳۴۸، ص ۱۰۳).

در واقع هسته مرکزی طرح شاه عباس برای اصفهان و دومین ویژگی کلیدی آن شهر پس از چهار باغ، میدان نقش جهان بود که در آن تأسیسات اداری، مذهبی، علمی و اقتصادی با نظمی از پیش مطالعه شده، در مدت نسبتاً کوتاهی بوجود آمد (گوبه، همان، ص ۵۹۸). در این میدان، هم به نیازهای مذهبی سردمداران حکومت و توده مردم با ساخت مساجد شیخ لطف الله و امام توجه شده است و هم به خصلت بشری و رابطه انسان با انسان، با بنای قیصریه در شمال و حجره‌های متعدد در اطراف میدان، ضمن آنکه میدان مزبور محل ملاقات عمومی شاه با شهروندان نیز بود. علاوه بر آن در میدان مزبور به رابطه انسان با طبیعت نیز عنایت خاص شده بود؛ زیرا در گرداگرد کناره آن نهری به عرض ۳/۵ متر و عمق ۲ متر جریان داشت و در طول نهر نیز ردیفی از درختان چنار بر رهگذران سایه می افکند (سیوری، همان، ص ۱۵۶).

نتیجه آنکه میدان نقش جهان بعنوان مرکز جدید شهر اصفهان و نماد دولت قدرتمند صفوی با آنکه الگوی خود را از میدان کهنه اصفهان، میدان حسن پادشاه تبریز و میدان عالی قاپوی قزوین می گیرد، ولی این الگوی کهن را نظمی کاملاً منطقی می بخشد و با دقتی بی نظیر به ترکیب و تنظیم هندسی و فضایی عناصر پیرامونی و درونی آن می پردازد.

طراحی یک محور جدید و وسیع شهری موسوم به چهار باغ و ایجاد میدانی وسیع و گسترده با تعریف روشن و صریح انتظام فضایی بعنوان مرکز جدید شهر و نه شهری جدید، سبب می گردد تا برای اولین بار در سازماندهی شهر ایرانی مفهوم منطقه بندی شهری بکار گرفته شود؛ شهر کهن مکان استقرار محلات مسلمان نشین و یهودی نشین شده و در شمال شرقی تقاطع زاینده رود و چهار باغ قرار می گیرد. محلات دولتمداران و دولتمندان در شمال غربی تقاطع در میانه باغات گسترده می شوند، محله تازه بنیاد آرامنه در جنوب غربی تقاطع سازمان داده می شود و محله زرتشتیان در جنوب شرقی تقاطع واقع می گردد. این پدیده تازه منطقه بندی شهری برای نخستین بار در شهر ایرانی، مفهوم تمایزات اجتماعی در کل شهر را تبلور کالبدی می بخشد (حبیبی، همان، ص ۶۴).

البته این ویژگی یعنی ایجاد مجموعه های شهری جدید در کنار شهرهای کهن در همه جا بکار گرفته می شود و مهر و نشان مکتب اصفهان را بر شهرهای موجود می نهد. میدان و مجموعه گنجعلیخان کرمان یکی از بارزترین نشانه های بکارگیری مکتب اصفهان در یک پایتخت ایالتی است که توسط گنجعلیخان، یکی از فرمانروایان مشهور شاه عباس بنا گردید. میدان مزبور محوطه ای است بطول ۱۰۰ متر و عرض ۵۰ متر که سه طرف آنرا بازار احاطه



نموده و در چهار سمت میدان، حمام، آب انبار، ضرابخانه و مدرسه قرار گرفته است (آثار باستانی کرمان، صص ۱۸-۱۳).

شاه عباس، فرح آباد در حاشیه دریای خزر را نیز از حیث طرح و شکل به طرح و شکل میدان نقش جهان و ساختمانهایی که آنرا احاطه کرده‌اند، بنا نمود. محورهای طولانی امتداد میدان فرح آباد از شمال به جنوب بود. این میدان، دویست متر درازا و بیشتر از صد متر پهنا داشت. در قسمت شمال، نزدیک دریای خزر، محوطه محصور وسیعی بود که بوسیله دیواری مرتفع تقسیم شده بود. این مکان به پذیرائیهای رسمی و آئینهای درباری اختصاص داشت. از قسمتی از آن نیز بعنوان محل اقامت خصوصی حاکم استفاده می شد. حمامها و قسمت مخصوص مستخدمان و آشپزخانه، نزدیک میدان واقع شده بود؛ در حالیکه کاخ جهان نما در ناحیه خصوصی و مشرف به دریا قرار گرفته بود و در قسمت جنوبی میدان، یک مسجد با عظمت که گنبدی برفراز آن احداث شده بود، بنا کرده بودند. همه اطراف میدان دارای طاق نما بود. در زیر این طاقها و همچنین در سمت مشرق و مغرب میدان، دکانهایی احداث شد و به این ترتیب شهری بوجود آمد که هدف اصلی از ایجاد آن، خدمت به دربار و انجام گرفتن امور درباری در آن بود. ضمناً در همان موقع برای ایجاد یک جاده سنگفرش به ساری اقدام شد که طول آن سی کیلومتر بود. (ویلبر، همان، صص ۱۵۳ - ۱۵۴).

بنابراین و از این پس، نه فقط شهرهای بزرگ، بلکه هر مجموعه زیستی اعم از شهر یا روستا دارای یک میدان یا مرکز ثقل می گردد و عناصر اصلی حکومتی و دیوانی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کناره‌های آن جای می گیرند. این میدان که در عین حال مکان تقاطع گذرهای اصلی و عبوری کانون زیستی نیز می باشد، مکانی است که در آن دولت مقتدر صفوی با تسلطی تام بر مبنای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به نظارت بر امور و مراقبت بر اوضاع می پردازد. از این پس معماری نه در حد بناهای منفرد که در حد مجموعه‌های شهری مطرح می گردد. نتیجه آنکه هدف اصلی شهرسازی صفویه بویژه مکتب اصفهان، معماری شهری و ایجاد و خلق فضاهای شهری است. بنابراین آب انبارها، پلها، کاروانسراها، باغها، نهرها و رودخانه‌ها نه در مقیاس منفرد و مجزای خویش، که در مقیاس و رده سلسله مراتبی و مکانی آن مطرح و ساماندهی می شوند. به تبع این نگرش از مجموعه سازی و معماری شهری است که در هر روستا و یا هر شهر کوچک، کوی، برزن، محله و یا ناحیه‌ای، میدانگاهی کوچک و نه همیشه هندسی، ساخته و پرداخته می گردد و این میدانگاه، مکانی است که کوچه‌های اصلی و گذرهای عمده بدان می رسند و از آن ره می برند. در اطراف این میدانگاه معمولاً مسجد، بازارچه، گرمابه، آب انبار و مدرسه قرار می گیرد (حبیبی، همان، صص ۶۷ - ۶۵).

۶- ساخت و توسعه مسیرها، راهها و شبکه‌های ارتباطی مورد نیاز شهری: در دوره صفویه با توجه به اهمیت یافتن تجارت، بویژه تجارت خارجی و نیز توسعه ایرانگردی و رفت و آمد جهانگردان و خارجیان در کشور، راهها و شبکه‌های ارتباطی گسترش زیادی می یابند. همچنین بمنظور سرعت و حرکت بیشتر کاروانها و حفظ آرامش در شهرها و راحتی و آسودگی خاطر شهروندان، ایجاد راههای کمربندی در ورودی و خروجی بسیاری از شهرها، بخصوص شهرهایی که در مسیر راههای عمده تجاری قرار دارند، مورد توجه خاص قرار می گیرد. بعنوان نمونه، از جمله دگرگونیهایی که در قزوین عصر صفوی صورت گرفت، ایجاد شبکه‌های جدید اصلی ارتباطی داخل شهری

با راههای عمده تجاری بود؛ زیرا قزوین بعلت تختگاه شدن و اهمیت یافتن بالا از نظر سیاسی و همچنین حضور هیأت‌های مختلف سیاسی و شخصیت‌های معتبر مملکتی در آنجا و نیز برپایی مراسم گوناگون در داخل شهر، ایجاب می‌کرد تا کاروانهای تجاری از بافت مرکزی شهر عبور نکنند. «از اینرو مسیر عبور کاروانهایی که از جانب آذربایجان، همدان، کرمانشاهان و بغداد می‌آمدند و یا کاروانهایی که از باراندازهای واقع در جنوب منطقه بازار بارگیری می‌شدند، به جنوب شهر و در مسیر شرقی - غربی تعیین گردید که از شمال یا جنوب شاهزاده حسین بسوی دروازه تهران کنونی می‌رفت. به این ترتیب، این مسیر بصورت جاده کمربندی پیرامون شهری مورد استفاده قرار می‌گرفت و بار رفت و آمد کاروانهای تجاری را که مقصدشان ری و اصفهان و دیگر شهرهای جنوبی بود بر دوش داشت و از حجم عبور کاروانهای درون شهری می‌کاست» (ورجاوند، همان، صص ۵۷۷).

روشن است که با توسعه راهها و جاده‌های خارج شهری و خیابانها و شبکه‌های عبور و مرور درون شهری، بناهای مرتبط با آنها نیز ضرورتاً گسترش یابند که از مهمترین آنها، پلهای متعددی است که در آن روزگار در جای جای کشور ساخته شده و بسیاری از آنها همچنان در مناطق مختلف کشور از جمله اصفهان باقی و مورد استفاده‌اند.

۷- درونگرایی: دیگر اصل حاکم بر معماری و شهرسازی ایران در عصر صفویه، درونگرایی است. این ویژگی که ریشه در فرهنگ اسلامی و حتی فرهنگ پیش از اسلام ایران دارد، مبتنی بر سنت‌های زندگی اجتماعی ایرانیان و همچنین شرایط اقلیمی ایران است که محیط‌های سرپوشیده عمومی را ایجاب می‌کنند. به همین علت در بسیاری از شهرها از جمله اصفهان قدیم، دیوار حیاطها و باغها بلند بوده و از بیرون هیچ چیز آشکارا قابل رؤیت نبوده است. تزیینات و آرایش منازل نیز عمدتاً در پشت دیوارها و در داخل خانه‌ها وجود داشته است. خانه‌ها بهم متصل بودند، بطوریکه بامها در پیوند با یکدیگر، یک سطح فوقانی و مرتبط برای زندگی بوده است؛ بر خلاف شهرهای غربی که ساختمانها در بلوکهای مجزا از یکدیگر و جدا شده بوسیله کوچه‌ها و خیابانها ساخته می‌شوند. در اصفهان، دور میدان نقش جهان را نیز معبر سرپوشیده بصورت بازار و محل عبور و مرور و کسب و کار ساخته بودند. طرح کلی این مجموعه بویژه مدرسه مادرشاه، کاروانسرا و بازار شاه عباسی به گونه‌ای است که با وجود خیابان عریض چهارباغ، تمایل به آن بوده که «ورود» به مدرسه و کاروانسرا از راه بازار سرپوشیده انجام گیرد (فقیه، همان، صص ۶۶۸ - ۶۶۷).

روبهم رفته در اصفهان، بافت شهری درونگرا بوده، بطوریکه انسان حتی در زندگی عمومی شهری نیز همیشه در درون یک فضا قرار داشته است؛ مانند بازار سرپوشیده، دالان و رواق مساجد و کاروانسراها و همیشه از یک فضای درونی به فضای درونی دیگر راه داشته است، مثلاً از بازار به مسجد (شهری بنا شده بر عشق، روزنامه همشهری، ص ۹).

منابع و مأخذ:

- ۱- آثار باستانی کرمان، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- ۲- پیرنیا، محمدکریم، آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان، دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۱.
- ۳- پیرنیا، محمدکریم، شیوه‌های معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، موسسه نشر هنر اسلامی، ۱۳۶۹.
- ۴- حبیبی، سید محسن، «مکتب اصفهان، اعتلا و ارتقاء مفهوم دولت»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۱، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- ۵- ذکاء، یحیی، «تبریز»، شهرهای ایران، ج ۳، به کوشش محمد یوسف کیانی، ۱۳۶۸.
- ۶- سلطان زاده، حسین، تبریز خشتی استوار در معماری ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۷- سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۲.
- ۸- «شهری بنا شده بر عشق»، [گفتگو با جمشید ارجمند] روزنامه همشهری، ۷۷/۳/۲۸.
- ۹- فقیه، نسرین، «اصفهان شهری برای عابر پیاده» معماری ایران، ج ۲، گردآورنده آسیه جوادی، انتشارات مجرد، تهران ۱۳۶۳.
- ۱۰- کمپفر، انگلبرت، سفرنامه، ترجمه کیکاوس جهانداری، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۳.
- ۱۱- گوبه، هاینس، «اصفهان پایتخت کشوری» پایتخت‌های ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- ۱۲- ورجاوند، پرویز، «بهره‌جستن و هماهنگی با طبیعت و پاسخ به نیازها، جانمایه شهرسازی و معماری ایران» مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۳، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۵.
- ۱۳- ورجاوند، پرویز، «شهرسازی و شهرنشینی در ایران»، شهرهای ایران، ج ۴، به کوشش محمد یوسف کیانی، ۱۳۷۰.
- ۱۴- ورجاوند، پرویز. «قزوین»، پایتخت‌های ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- ۱۵- ویلبر، دونالد. باغ‌های ایران و کوشک‌های آن، ترجمه مهین دخت صبا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۸.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی